

## عبث در کار سياسي

### به بهانه اعدام ريحانه

اميرفيض- حقوقدان

هيچ قرار نبود كه تحرير زيرتنظم و تقديم گردد، اعلاميه منتسب به اعليحضرت در رابطه با اعدام ريحانه سبب اين تحرير شد.

كارسياسي راميتوان به بنا كردن ساختماني تشبيه كرد كه بايد تمام قسمتهاي آن هماهنگ و طبق نقشه ساختماني جفت و جور شود، و اگر قسمتي از ساختمان خودسرانه بنا شود و يانقشه اصلي همخواني نداشته باشد آن ساختمان عبث و بيهوده است و هركارشناسي، اصالت ساختماني آنرا رد ميكند.

اعلاميه ها و بيانيه ها دركارسياسي نقش همان مصالح ساختمان را بازی ميکنند، و بايد با فلسفه مبارزه هماهنگ باشد والا كاربيهوده سياسي تلقی ميگردد؛ كه از آن بعنوان بهانه گيري ياد ميشود، و متعلق آثار وابسته به هدف و آرمان سياسي نميشود.

#### هماهنگی سياسي

هماهنگی سياسي يعنی مفهوم بيانيه و اعلاميه ها با آرمان هاي قبول شده مبارزه سياسي هماهنگ و يکنواخت باشد و به عبارت ديگر، قبول يکي سبب رد ديگري و برعكس نگردد و حتما سبب تقويت آن بشود (در تشبيه به ساختمان - مانند آجر و ملات كه وقتی همجنس بود سبب تقويت ساختمان ميگردد).

#### واما بعد

كساني كه براي شورش ۵۷ قائل به مشروعيت هستند و آنرا انقلاب ملي ميدانند و حتى اعلام ميفرمايند؛ <هچكس نميتواند منكر وقوع انقلاب باشد و هر كسي آنرا نفي كند از روند جريانات تاريخي بي اطلاع است> اينان نميتوانند قانون اساسي جمهوري اسلامي را ملاك كارسياسي خود قرار ندهند زيرا قانون اساسي، مَدون انقلاب اسلامي است و در عبارت آشنا (قانون اساسي خون بها و دستاورد انقلاب است).

در مثل مانند آنست كه كسي بازني ازدواج ميكند ولي قائل به مشروع بودن روابط جنسي بين آن دو نباشد.

قانون اساسي جمهوري اسلامي - سلب حق حاكميت از مردم - ولايت فقيه - شوراهای معين شده در قانون اساسي جمهوري اسلامي و تمام تصميمات متخذة و اجرا شده بوسيله جمهوري اسلامي اگر از

چارچوب قانون اساسي جمهوري اسلامي خارج نباشد همه و همه فرزندان شورش ۵۷ است و نميشود به آن شورش ضد ايراني، عنوان انقلاب داد و بعد با فرزندان و دستاورد هاي همان انقلاب مخالفت کرد.

اين نوع مخالفتها بهانه گيري و تظاهريه مبارز بودن است مبارزه سياسي براي اين افراد فقط در كادر قانون اساسي و ياشركت در انتخابات و در نهايت تغيير قانون اساسي جمهوري اسلامي ممكن است همانطور كه احزاب سياسي تونس عمل کرده اند.

همين امروز خبر رسيد كه در انتخابات تونس حزب سكو لار خود را پيشتاز ميداند، و همين است كه شوراي تجزيه طلبان ايران هم شيوه شركت در انتخابات آزاد را هدف از مبارزه خود ميداند، بهمين دليل است كه رئيس خود ساخته آن شورا فرمودند: تغيير رژيم و يا تغيير رفتار رژيم گزينه بي تفاوت است، (سخنراني در موسيه هادسن) (مشروح درسنگر ۳۳۲+۴۷۲)

اين اشخاص نميتوانند به عمل جمهوري اسلامي در اعدام ريحانه و ياهر عمل ديگر جمهوري اسلامي ايراد بگيرند. زيرا شورش ۵۷ را انقلاب ملي و مشروع دانسته و اقدامات جمهوري اسلامي از جمله اعدام ريحانه جزئي از قانون اساسي جمهوري اسلامي است و وقتي كل پذيرفته شده جزء در دائره قبول و پذيرفته بودن قرار خواهد داشت. (هر جزئي تابع كل است).

مثلهای <هر كه خريزه ميخورد پای لرز آنها مينشيند> و يا <مال بد بيخ ريش صاحبش> بازگو كننده باور مردم به اصلي است كه قبول كل مترادف با قبول آثار ناشي از كل است.

اشخاص مزبور كه صحبت از حاكميت ملي ميكنند و از سلب حق حاكميت مردم در نظام جمهوري اسلامي نق ميزند نقششان هم نمايشي و غير منطقي است، زيرا براي شورش ۵۷ قائل به مشروعيت هستند و آن شورش ۵۷ است كه حاكميت را از آنان سلب کرده و آنها را بصورت حيوان بي اراده در آورده.

اين قبيل مطالبات آزاديخواهي و يا حق حاكميت و يا خودداري از اعدام و امثال آنها از آن كساني است كه براي شورش ۵۷ قائل به مشروعيت حقوقي نيستند لذا بر عمل فاقد مشروعيت، آثار حقوقي همانند قانون اساسي و حاكميت اجرائي متوجه نميشود و هراقدامي كه حكومت متأثر از شورش ۵۷ بعمل آورده از جمله همين اقدام كوچك اعدام ريحانه عمل مجرمانه و يا غصب شناخته ميشود، زيرا قضاوت حقي نيست كه متعلق به شخص و يا حاكم غاصب بشود.

**آنها كه براي شورش ۵۷ قائل به مشروعيت هستند نميتوانند اعدام ريحانه را معترض و يا آنرا محكوم**

**كنند.** آنها ميتوانند به كيفيت محاکمه ريحانه آنها اگر رعايت قانون دادرسي جمهوري اسلامي نشده باشد ايراد بگيرند، نه اعدام ريحانه كه طبق حكم دادگاه صورت گرفته است، نام اين عمل بهانه جوئي و فاقد اعتبار سياسي و تاثيرات منطقي است.

بعنوان مثال - روزنامه كيهان زمان شاه خبري را منتشر ساخت كه فلان خرابكار كمونيست دستگير و پس از محاکمه در دادگاه بدوي و استيناف و قطعيت، حكم اجرا گرديد.

حاج سيد جوادى از مخالفان سرشناس شاهنشاهي ايران در كتابش كه متضمن متن چند نامه به شاه و دولت است مدعي شد كه <چرا نبايد جريان محاکمه و دفاع و وكيل و آخرين دفاع متهم منتشر شود> (گرفته

شده از سنگر ۲۲ (مهرماه سال ۶۳) ولی اعتراضی نکرده که چرا آن کمونیست خرابکار اعدام شده است زیرا متهم برطبق قانون اساسی محاکمه و محکوم به اعدام شده است. دقیقاً همانند ريحانه که محاکمه و اعدام شد.

## نشست در مبانی فکری و اعتقادی

**مبانی فکری انسان وقتی متشتت بود، حالت تشتت در اظهارات و بیانیته ها و اعلامیه ها خود نما میگردد**

و آنوقت است که فقط نقطه کژ و کاستی ها علامت مشخصه مرد سياسي میگردد.

تضاد در گفتار و مفهوم، موج بی آبرویی در کار سياسي است که اعتبار را بکل زائل میسازد، اعتبار که نبود از وجود انسان فقط حالت جسمانی آن باقی است که ضرب المثل «برای لای جرز خوبست» معمول مردم است؛ مولوی هم بیت مشهورش در تائید مطلب چنین میگوید:

ای برادر تو همین اندیشه ای مابقی تو استخوان وریشه ای

باید فرق گذاشت بین تشخیص یک عامی بایک فعال سياسي آنها فعالی که انتظار دارند هرچه میگویند لااقل بخشی از ایرانیان آنرا قبول داشته باشند، آنها با این ضمانت اجرا که «من با آنها که هرچه میگویم قبول ندارند کاری ندارم».

آن عامی میگوید من عامی، دیدم روشنفکران و استادان دانشگاه انقلابی شدند منم شدم. لذا هرچی ابرمن نیست که گفته اند به «دست ننه نگاه کن غریبه کن».

ولی یک مرد سياسي نمیتواند به استدلال آن عامی متوسل شود، سنائی مرز بین عامی و دانا را چنین توصیف کرده است:

از پی رد و قبول عامه خود را خرمساز زآنکه نبود کار عامه جز خری یا خرخری

ولی کسانی که بعد از ۳۵ سال مشاهده دستاوردهای شوم شورش ۵۷ و باصطلاح قانون اساسی آن، هنوز هم انقلابی هستند و یا شخصیتی که بیش از همه ایرانیان درک مفاسد شورش ۵۷ را کرده و میکند و بعد از سالها در قضاوت نسبت به شورش ۵۷ آنچنان سنگ تمام گذاشته که غیر قابل تصور است، بسیار هرچهها برایشان وارد است و نباید با بهانه جوئیهای مانند اعدام ريحانه و یا اعدام خیالی آخوند بروجردی،

تصور امکان سلب اتهام از خود را بنمایند، این کارها در فعالیت های سياسي بصورت عبث خودنما

میشود. و عبث، میشود بهای اتلاف فرصتهای بسیار با ارزش مبارزه که شده است.

۱- هرج . [ ۵ ] (ع مص) در آشوب و فتنه و کشتن و اختلاط و آمیزش افتادن مردم. || گشاده گذاشتن در را. || بسیاری و فزونی نمودن در ...

[ هـ ر ] (ع مص) سرگشته و سراسیمه گردیدن شتر از سختی گرما و از افزونی مالش قطران . (منتهی الارب . (از اقرب الموارد). هرج . [ هـ ] (ع ص) گول . (منتهی الارب). احمق . (اقرب الموارد). || سست از هر چیزی . (منتهی الارب). ضعیف از هر چیزی . با نگاهی به لغت نامه دهخدا- ح-ک

مهم اين است كه انسان دركارهاي سياسي وياحتي غيرسياسي عبث نباشد يعني كاري كه ميكند، بي منطق و سربه هوا و زبان گير ديگران نباشد، ولي اگر به اين كار عادت كرد و رغبت يافت، كه كرده اند ديگر توقف آن بسيار مشكل است. زيرا فرض اينكه شخص، تشخيص عبث را بدهد كاملا منتفي است و خيال برش مي دارد كه هر چه ميگويد اصل است و بقيه عبث كه انتظار دارند همه آنرا قبول كنند.

انسان وقتي به اهميت حضور دروظائف ومسئوليتهاي قانوني اعتنائي نداشت و درك مسئوليت وعوارض ناشيه از بيانيه ها و اعلاميه ها را ننمود و حركت آنها در مدار سياسي و اعتقادي اش چندان مهم نبود و مشابهات، ديگران جرات مي يابند كه بنام آن شخص اعلاميه انشاء گونه بنويسند، كه نوشته اند؛ ومسير اقدامات عبث او را با مدهانه وتشويق ومقام سازي جعلي هموار سازند كه متاسفانه ساخته اند.



روزبه يارسي (ابن مقفع) در كتاب آيين بزرگي رو به تربيت شاهان آورده است:

بايد هميشه سمران و برتران خود را فرما نبرد و كار گزار باشي و چيزي در ايشان دينج نذاري و با اين از پذيرفتن فرمان نائي كه زبان و آزار ديكران در آن باشد خودداري كن كه مردان و آزادگان چنين كار نائي را سر دهند و تن دهند....

بچگاه به اميد اينكه ديكرانت يار و همراه و پايه و مايه دانش و هنرت را دانند كز زش كسي از هالان به پيشگاه شاهان مبر و راستي و يكديلي ياران درباري اميدوار و فريفته باش كه بسياري در روي كسي راستايند و برگرده و گفتارش آفرين ها خوانند و خود را دوست و همراهش شمارند ولي آنكه كه بايد و به كوايشان خواند روي تابند و از ياريش دوري جويند، و بسى باشد آنانكه زيشان چشم ياري داري در هنگام داوري با تو از در ستيزه در آيند و به كينت بر خيزند و اگر با ايشان هم در آويزي همه را از خود آزرده سازي و اگر از پيكارشان كز يزي خود را شرمنده و زبون نائي.

- ح-ك